نظریه

ریشه‌های مفهوم سرمایه اجتماعی

در سال‌های اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی به معنای اینکه مشارکت در گروه و جامعه، می‌تواند برای فرد منافع و کارکردهای مثبتی داشته باشد، یکی از رایج‌ترین مفاهیمی است که از علوم اجتماعی برای تحلیل روابط در ادبیات حوزه‌های دیگر علمی و حتی وارد زبان عمومی شده است. تاکید بر اهمیت ارائه مثبت روابط اجتماعی بر فرد و نگرش و دغدغه نسبت به تنزل روابط اجتماعی معنادار در جوامع جدید، از مفاهیم و بحث‌های قدیمی جامعه‌شناسی هستند و می‌توان کفت واژه سرمایه اجتماعی در این معنی، مفهوم نو و جدیدی نیست و به آرای پیشگسوتان جامعه‌شناسی مانند کارل مارکس، امیل دورکیم یا کئورگ زیمل برمی‌گردد. باقر ساروخانی و امراله امانی‌کلارآبجانی در مقاله‌ای علمی که درباره سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن منتشر کرده‌اند، به تعاریف سرمایه اجتماعی و ارزیابی شاخص‌های آن پرداخته‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود و خلاصه‌ای از این مقاله و با حذف منابع آن می‌آید. تحقیقات معاصر درباره جامعه مدنی به این نتیجه مهم دست یافته‌اند که در نظام اجتماعی، سه عنصر مهم وجود دارد که بعضا با یکدیگر متحاضم بوده و اگر بین آنها تعادل ایجاد نشود، جامعه با مشکل روبه‌رو خواهد شد. این حوزه‌ها عبارت از بازار (اقتصاد)، اجتماع و دولت. تجربه کشورهای کوناکون نشان می‌دهد که تسلط و قدرت بلامنازع هر یک از این حوزه‌ها، می‌تواند آثار مخرب و آسیب‌های جدی برای جامعه به‌همراه داشته باشد. درواقع، وازه سرمایه اجتماعی مدرنیته‌ای است که در قرن بیستم مطرح شد و در آمریکا و اروپا مورد توجه و مفهوم‌سازی قرار گرفت. علاوه بر رشد اقتصادی، عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز روند تخریب محیط زیست کشور را تشدید کرده است. نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد در دهه‌های اخیر، شرایط بحرانی مانند وقوع جنگ تحمیلی و شوک‌های نفتی به روند نامطلوب شاخص‌های محیط زیست سرعت داده است. براساس گزارش بانک جهانی، به دلیل وضعیت نامطلوب شرایط زیستی، هزینه ناشی از آلودگی هوا و بخشی از خسارت منتج الایدنده در ایران در سال ۲۰۰۶ حدود هشت میلیارد دلار بوده است که هرساله نیز افزایش یافته و مسئولیت آن برعهده دولت است.

این وضعیت نامساعد زیست‌محیطی تا حد زیادی به الکوهای مصرف در ایران نیز ارتباط دارد. افزایش مصرف‌کرایی، گسترش شهرها و ایجاد شهرک‌های جدید برای اسکان جمعیت بیشتر، بدون توجه به ملاحظات زیست‌محیطی، پیامدهای نامطلوب برای محیط زیست داشته است. برخی آمارها حکایت از رشد سریع مصرف‌کرایی در جامعه ایران دارد. بالاترین ایران ۲۱ کیلوگرم است که بیشتر از میانگین و استاندارد جهانی است. مصرف سرانه نان در کشور ما ۱۶۰ کیلوگرم است، در حالی که در فرانسه ۵۶ و در آلمان ۷۰ کیلوگرم گزارش شده است. براساس گزارش بانک جهانی، الکوی مصرف آب در سال و به ازای هر نفر، یک مترمکعب برای آب آشامیدنی و ۱۰۰ مترمکعب برای امور بهداشتی است؛ در حالی که میانگین مصرف آب در ایران برای هر نفر حدود هزاره ۳۰۰ مترمکعب در سال و از میانگین جهانی بسیار بالاتر است. میزان تولید روزانه زباله به ازای هر نفر در جهان ۵۰۰ گرم است که این میزان در ایران ۷۰۰ گرم گزارش شده است. در ایران روزانه بالغ بر ۵۰ هزارتن زباله تولید می‌شود که هزینه هنگفتی را هروزه بر شهرداری‌ها تحمیل می‌کند. از مجموع زباله روزانه تولیدی در ایران، تنها حدود پنج تا ۱۰درصد بازیافت می‌شود و به چرخه مجدد نمی‌کردد. همچنین ۷۰ درصد از صنایع بازیافت کشور به دلیل بی‌توجهی و کم‌اهمیت‌شمردن مسئولان تعطیل شده‌اند.

در دنیای رقابتی امروز و درحالی‌که دولت‌ها تمایل به کاهش هزینه‌ها دارند، شرکت‌ها نیز با همین مشکل بیروی می‌کنند و برای کسب سود بیشتر، تعداد کارکنان را کاهش و در پرداخت حقوق و مزایا نیز خست بیشتری به خرج می‌دهند و مسئولیت وظیفه کارکنان و حقوق‌بکیران را نمی‌پذیرند. علاوه بر مسئله بی‌کاری، مشکلات مربوط به دستمزدها نیز روند توسعه انسانی را با موانعی جدی روبه‌رو کرده است. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ دستمزدهای واقعی در کشورهای توسعه‌یافته فقط پنج درصد و در آمریکای لاتین و کارائیب ۱۵ درصد رشد یافته‌اند، اما در آسیای میانه کاهش داشته‌اند. درعین‌حال آسیا از این نظر رشد چشمکیر ۹۴ درصدی داشته است. به عنوان نتیجه و درکل، سهم نیروی کار از درآمد ناخالص ملی در بسیاری منطق دنیا کاهش یافته است.

نرخ بی‌کاری در ایران نیز تحت‌تاثیر عوامل مختلف، از جمله افزایش قابل توجه جمعیت فعال و تناسب‌نداشتن آن با رشد و توسعه، از ۲/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۱۴/۵ درصد در سال ۱۳۷۹ رسید. این شاخص در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴ در جمعیت ۱۵ سال به بالا ۱۳/۵ درصد و در جوانان (گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال) ۳۳ درصد گزارش شده است. درحالی‌که در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳ میانگین نرخ بی‌کاری در ایران ۸/۶ درصد گزارش شده، این شاخص در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴ افزایش قابل‌توجهی یافته و به ۱۳/۵ درصد رسیده و نسبت شاغلان ۴۴/۷ درصد گزارش شده است. از نکات حزن‌آور این، در سال ۱۳۹۲ حدود ۸۳/۷ درصد از جمعیت کشور در سن کار (۱۰ سال به بیستر) قرار داشته‌اند که ۵۰/۱ درصد آنان مرد و ۴۹/۹ درصد زن بوده‌اند. به عبارت دیگر، بر برابر هر صد زن در این اشتغال ۱۰۱ مرد وجود داشته است. براساس همین گزارش، ۳۶/۶ درصد از جمعیت ۱۰ سال به بیستر شاغل یا بی‌کار در جستوجوی کار بوده‌اند. این نسبت برای مردان ۶۳ درصد و برای زنان دیگر ۱۲/۴ درصد گزارش شده است. از نکات حزن‌آور دیگر، نسبت ۹۶/۵ درصد بی‌کارانی است که از بیمه بی‌کاری استفاده نمی‌کرده‌اند و تنها ۳/۵ درصد از آنها بیمه بی‌کاری می‌برده‌اند. براساس نتایج آمارکیری کشوری که در پاییز ۱۳۹۳، نرخ مشاغل سوبره (۱۹/۵ درصد)، مصر (۲۴ درصد)، تونس (۲۷ درصد)، ترکیه (۳۲/۲ درصد)، مراکش (۳۴/۶ درصد) وماراتی (۵۰/۲ درصد) کمتر است.

بخشی از شکاف و نابرابری جنسیتی در حوزه‌های اشتغال، آموزش و افتضاحت حاصل نابرابری و تبعیض نهادینه‌شده در قوانین و مقررات است. بنابراین نمی‌توان درباره نابرابری جنسیتی بحث کرد و حقوق و حقوق بوده به زنان و مردان را نادیده کرفت. درواقع شاید بتوان کفت مقاومترین گروه در برابر بهبود وضعیت زنان و کاهش نابرابری جنسیتی، قوانین و مقررات است. در قوانین جاری نیز اغلب ارزیابی‌ها مبهم بوده تداوم و تثبیت نابرابری جنسیتی است. قوانین مدنی به‌خصوص قوانین مربوط با روابط خانوادگی موضعی کاملا تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و مردان در خانواده دارنـد. مردان از حقـوق و امتیازات بالاتـری برخوردارند و قانون، اعمال محدودیت، کنترل و رفتارکیـری سـوبه مرد نسبت به همسر خود را در روابط خانوادگی مجاز می‌شمارد. برای مثال، مطابق ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی، ریاست خانواده در روابط زوجین از خصایص شوهر است. از به ماده ۱۱۱۷ آمده است: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که به مقامی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود زن باشد، منع کند». درمجموع درحالی‌که زن تنها تاریخ یک جامعه را افزایش داد بدون آنکه از تاریخ زنی آن جامعه یعنی زنان غفلت کند.

شما در کتاب «فقر و نابرابری در ایران» به اثرات منفی فقر بر توسعه انسانی هم اشاره کرده‌اید.

علاوه بر دو عامل پیش‌گفته بعدی نابرابری و تبعیض جنسیتی، شواهد نشان می‌دهد فقر به‌ویژه فقر مزمن و فقر چندبعدی قابل توجه در جامعه از عوامل مهم تهدیدکننده توسعه انسانی است. مطابق گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴ موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی در سال ۱۳۹۳ منتشر در، میزان کالری متوسط مصرفی در دهک‌های اول شهری و روستایی زیر خط استاندارد است. به بیان دیگر، دهک اول شهری و روستایی اختصاصا ۲ جار سوءتغذیه یا فقر شدید هستند. همچنین در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ میزان کالری مصرفی در اکثر دهک‌های کم‌درآمد روند نزولی داشته است. به این معنی که حتی پس از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت نقدی، تغذیه‌ها در میزان کالری مصرفی دهک‌های پایین افزوده نشده، بلکه از میزان مصرف آنها نیز کاسته شده و شکاف آن با میزان استاندارد کالری مصرفی افزایش یافته است. افزایش مصرف جربی‌ها در دوره زمان ۱۳۸۸-۱۳۹۰ به‌خصوص در خانوارهای روستایی نشان‌دهنده سوءیافظت مواد غذایی خانوارها به سمت وضعیت نامطلوب است. با وجود برآوردهای متفاوت درباره میزان خط فقر شدید و مطلق و جمعیت زیر خط فقر، افاب پژوهشگران بر پایداری فقر در ساختار اقتصادی ـ اجتماعی ایران تاکید دارند.

برآوردها نشان می‌دهد نسبت جمعیت زیر خط فقر شدید در حداقل چهار تا ۱۲ درصد و نسبت جمعیت زیر خط فقر مطلـق در فاصله ۱۴ تا ۳۵ درصد است. در عین حال، مطابق برآوردها در فاصله سال‌های اخیر هندسار فقر شدید و مطلق و جمعیت زیر خط فقر، افاب

عکس: آرشیو شرق

در سنت تقدیر بلوچ در انباشت سرمایه زنان تاکید می‌کند تا به این وسیله و با سرمایه بیشتر، به موقعیت برتری در ساخت قدرت دست پیدا کنند. بورديو نقش جامعه ایرانی و تبعیض در دسترسی زنان به سرمایه اجتماعی و فرهنگی را زمینه‌ساز مشارکت بیشتر آنان می‌داند. آنتونی کیدنز پیوستکی و رابطه متقابل نهادهای مدنی و زنان را زمینه‌ساز کنش بیشتر زنان قلمداد و در عین حال تاکید می‌کند زنان خود نیز به‌عنوان عاملان مدرنیته در ابجاد و توسعه نهادهای مدنی و دموکراتیک نقش درخور توجهی دارند. شاید بتوان مضمون و محتوای همه این دیدکاه‌ها و نظرات را در جمله دولوار، دانشمند فرانسوی خلاصه کرد: «زن که حق بالارفتن از نردبان اجتماعی را هم داشته باشد». در طول ۹ دوره مجلس شورای اسلامی و با وجود وعده صعودی جیمکیر حضور زنان در مجلس، هیچ‌کاه نسبت زنان به کل نمایندکان از پنج درصد تجاوز نکرده است. ایران در رتبه‌بندی جهانی برحسب تبعیض جنسیتی و در بین مجالس ۱۵۵ کشور در رتبه ۱۴۱ جای داشته است. هنوز تا رسیدن به عدالت جنسیتی در قدرت سیاسی در ایران راه درازی در پیش است.

مطالعات متعدد نشـیع بیماری‌های جسـمی و روانـی در میان زنان را بیشـتر از مردان برآورد کرده‌اند. به‌علاوه بـا وجود آنکه نرخ امید به زندگی زنان بیشتر از مردان است. اما کیفیت زندکی زنان به‌مراتب بیشتر از مردان است. شواهد حاکی از آن است که در ایران، با وجود بهبود وضعیت آموزش دختران در سـال‌های کذشـته، هنوز شـکاف قابل‌توجهـی از نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی بین دختران و پسران وجود دارد. پژوهشکران در مطالعات خود نشان داده‌اند دسترسی دختران به فرصت‌های آموزشی کمتر از پسران است و در این میان، علاوه بر سیاسـت‌ها و برنامه‌های رسـمی، نقش عوامل فرهنکی مانند نکرش منفی خانواده و جامعه محلی نسـبت به سـواادآموزی دختران و نیز عوامل اقتصادی غیرقابل انکار است. برای مثال، در بیشـتر خانواده‌های بخش دورو کرمانشـاه، نابرابری جنسـیتی آموزشـی فراوانی وجود دارد کـه یکی از مهمترین علـل آن کاریابی پسر و مادب به جامعه‌پذیری جنسـیتی اسـت. به عبارت دیکر، والدین تمایل دارند پسـران را خودکفا و توانا و پایدار بار آورند و دختران را وابسـته و بایسـته. همسـر، نقش تسـلط کلیشـه‌ای جنسـیتی در زنان‌آور خانواده و مادر خانه‌دار نقش مؤثری در نابرابری جنسـیتی آموزشـی دارد. مشـکل تبعیض جنسـیتی در نظام آموزشی ایران فقط به دسترسـی نابرابر به فرصت‌های آموزشـی منحصر نمی‌شـود و بلکه محتوای کتاب‌های درسی نیـز از مواردی منطبق بر کلیشـه‌های جنسـیتی و مشـوق نابرابری و تبعیض اسـت. برای مثال تصویر کتاب‌های درسـی افکاشـته همان نقش سـنتی زن در تاخانه و ازجمله انجام‌دادن امور منزل، تربیت فرزندان و فرمانبرداری از همسر است.

دامنه تبعیض علیه زنان در بسـیاری از حوزه‌های مهم از زمینه سلامت تجـتاثیر این دو، به حوزه اقتصاد و درآمد نیز کسترش یافته اسـت. آثار اشـتغال بر وضعیت زنان را نباید به سـبب درآمد و اسـتقلال اقتصادی آنان محدود کرد. مطالعات مختلف نشـان داده‌اند اشتغال زنان موجب تغییر و تحول در نکرش افـراد و توزیع نقش‌ها و به تبع آن توزیع قدرت می‌شـود. به علاوه، مشارکت روزافزون زنان در بیرون از خانه باعث تقویت حس اعتمادبه‌نفس و استقلال و توانایی فردیت تصمیم‌کیری و برخورد مناسب با خودزنی کرفته اسـت. در این مسـیر، نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌ها و آموزش از اهمیت بسـیاری برخوردار اسـت. مطابق گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴ در فاصله سـال‌های ۱۳۸۸-۱۳۷۵ نشان از افزایش شدت نابرابری استان‌های کشـور در منابع تخصیص‌یافته از ۱۰/۱ درصد به ۲۲ درصد اسـت. به عبارت دیکر، بیسـتن از ۱۶ درصد نابرابری در تخصیص منابع مالی و هزینه متوسط خانوارها در استان‌ها دیده می‌شود.

نابرابری‌ها بسیار بیارار بوده و موجب شده استان‌هایی که زنـدکی آنها در بستن و بسـته دکشته تغییر قابل‌ملاحظه‌ای نداشته باشند. در مطالعه‌ای، محاسـبه شـاخص عدم برخورداری و بهزیسـت‌نیافتکی استان‌ها در فاصله سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۷۵ نشان داد متوسط ضریب عدم برخورداری استان‌ها از ۰/۶۱۰۴ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۴۲۷۲ در سال ۱۳۸۸ کاهش یافته که عمده آن مربوط به سـال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۶ بعدی دولت اصلاحات اسـت و به این ترتیب، حدود ۲۲/۲ درصد در ضریب متوسط عدم برخورداری استان‌ها بهبود حاصل شده است. با این حال حداکثر ضریب عدم برخورداری برای ضریب نیافتکی در هـر دو مقطع زمانی، با حدود فقط ۵/۵ درصد بهبود، متعلق به اسـتان سیستان‌وبلوچسـتان بوده اسـت. جزایر شـیعی‌سـنی این‌چنین بر خلاف ظبانرایی بکویند. فارغ از ابعاد انسانی این موضوع جنبه‌های امنیتی آن در چارچوب منافع ملی هم بسـیار اهمیت دارد. پژوهشـکران تاکید کرده‌اند که حتی نابرابری کم در برخی استان‌ها به معنای رفاه بیشتر نیسـت‌بلکه اسـت زیرا استان‌های با شـیب جنیتی کمتر لزوما از درآمد بالاتری برخوار نبوده‌اند.

جنبـه‌ای دیگر از نابرابری عبارت اسـت از نابرابری درون اسـتان‌ها. این جنبـه از نابرابری بیش از نابرابری بین اسـتان‌ها بر نابرابری در سـطح ملی اثرکذار اسـت. نکته مهم اینکه، در برخی موارد، محرومترین اسـتان‌ها مثل سیستان‌وبلوچسـتان دارای بیشـترین نابرابری درون‌اسـتانی اسـت نبود بودند. اسـتان‌های سیستان‌وبلوچسـتان، خراسـان رضوی، کلستان و مرکزی بالاترین میزان نابرابری درون‌استانی را دارند.

نمی‌توان درباره این ابعاد بحث کرد و نابرابری شـهر و روسـتا را از ابعاد برد. محاسـبه ضریب جینی در شـهرها و روسـتاها در سـال‌های پس از انقلاب نشـان می‌دهد همواره نابرابری در روسـتاها بیسـتن از نابرابری در شهرها بوده اسـت. اکرچه سیر نزولی متفاوتی در شـهر و روستا طی شده است. شـکاف نابرابری در بین مناطق شهری و روسـتایی اسـت که تا حدود زیادی نظیر نظام اجتماعی والرشـتاین را درباره مرکـز و پیرامون برای مناطق کـه بسـب افزایش محرومیت آنها می‌شـود و موقعیت مرکزی برخی دیکر که بسـبب بهره‌مندی بیشـتر آنها می‌شـود، تایید می‌کند. در یکی از این مطالعات، وجود رابطه میان دوری و نزدیکی مناطق مختلف از تهران (مرکز) با توسعه انسانی تایید و نشان داده شد با توجه به سکونتکاه‌های جغرافیایی (شهری و روسـتایی) می‌توان کفت میانکین میزان محرومیت در استان‌های مرتبط با توسـعه اجتماعی و انسانی در روسـتاها بیسـتن از مناطق شـهری است. فارغ از نابرابری شـهر ـ روسـتا که توضیح داده شـد، برخی مطالعات به نابرابری در درون مناطق روسـتایی نیز اشـاره کرده‌اند که در اینجا فرصت بحث درباره آن نیسـت. به‌هرحال این میزان از نابرابری نه‌تنها بر توسعه انسانی، بلکه بر اسـتمام اجتماع و سـرمایه اجتماعی نیز اثرات نامطلوبی دارد.

چه عوامل داخلی دیگری بر توسعه انسانی اثرات منفی دارند و رشد آن را کند یا حتی متوقف می‌کنند؟

مانع مهم دیکر توسـعه انسانی تبعیض جنسـیتی اسـت. در سـرآمد بنـا، ارزش شاخص توسعه انسانی زنان حدود هشت درصد کمتر از مردان است. در میان مناطق جهان، بیشترین شکاف در جنوب آسیا کزارش شده است (۱۷ درصد). ایران نیز در این کروه کشـورها قرار دارد و ارزش شاخص توسعه انسانی زنان ایرانی (۰/۶۷۳)، ۵ درصد کمتر از شاخص توسعه انسانی مردان ایرانی (۰/۷۹۳) اسـت. شـاخص جنسـیتی ایران در کزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴ معادل ۰/۵۱، برآورد شـده و به لحاظ این شـاخص ایران در رتبه ۱۰۹ در سـطح کشورهای جهان قرار دارد. یعنی در حـداقل میانکین کشورهای با توسـعه متوسط و پایین. تبعیض در دسترسی به قدرت، سـلامت، آموزش، کار و اشـتغال و حقوق برابر بین زنان و مردان نقش بسـیار مهمی در کاهش شـاخص توسعه انسانی ایران دارد. اهمیت دسترسی زنان به قدرت و نقش آنان در توسعه انسانی هموراه موضوع مناقشه‌برانکیزی بوده است. به مطابق نظر بارمیان، زنان برای رهایی باید از وابستکی خویش به نهادهای رسـمی و غیررسـمی میان دولت یا خویشاوندی بیاهند و کیفیت مدنی در عرصه عمومی باید رشـد نماید تا عاملیت زنان بیاهند و از خرده‌نقش فارغ از هر مسـلط، نقش خویش را در تحولات اجتماعی ایفا نمایند. بوردیو

توسعه اجتماعی – انسانی در گفت‌وگو با سعید مدنی قهفرخی، پژوهشگر مسائل اجتماعی:

جامعه ایرانی آسیب‌پذیر شده است

لیلا ابراهیمیان

توسعه انسانی مفهومی است به‌قدمت چند دهه. بعد از تحول مفهوم توسعه و نقد به توسعه رشدمدار، به ابعاد انسانی آن هم توجه شد. انتقاد به رویکرد توسعه رشدمدار، موجب بدیدآمدن دیدکاه‌های جدیدی پس از دهه ۱۹۷۰ شـد. توجه رویکردهای رفاه اجتماعی، توسعه انسـانی، نیازهای اساسی و توسـعه منابع انسـانی در فرایند تحول مفهوم توسعه انسانی به وجود آمده است. سعید مدنی، پژوهشـگر اجتماعی، به «شـرق» می‌کوید: «در شرایط کنونی جامعه ایران بسیار آسیب‌پذیر است. آسـیب‌پذیری حکایت از تهدیدها نسـبت به فرصت‌ها و قابلیت‌ها دارد». او معتقد است: «زمانی آن رسیده تا به مسائل کسـاردند و بازبینی پویایی بین دولت‌ها و بازارها و بین کشورها و نیروهای جهانی برای بررسـی چشم‌انداز فضای عمومی و خصوصی توجه شود».

شما در مباحث مختلف درباره مسائل اجتماعی ایران داشما نابرابری به‌عنوان علت و اثرات نامطلوبی بر وضعیت اجتماعی دارد، اشـاره کرده‌اید. نابرابری چه تأثیری بر توسعه انسانی دارد؟

توسـعه انسـانی نیازمند همسـوشـدن سـیاست‌های سـاختاری و اقتصاد کلان. مداخلات در بازار نیروی کار و حمایت اجتماعی اسـت. لازم است این سیاسـت‌ها، در عین توجه ویژه به برابری و پایداری، بر رشد اقتصادی فراکیر و جذاب، ایجاد شغل مناسـب و مولد، فراهم‌آوردن حمایت‌های اجتماعی اسـاسی و حمایت اجتماعی هماهنـگ شـوند. حل مشـکلات پیچیده کنونی جامعه ایران مسـتلزم نکرش‌نو به سیاسـت‌هایی اسـت که همکونی بیارار اسـاسی پایدار را پدید می‌آورند. سـیاست‌های اقتصاد کلان عامل مؤثری در توسعه هسـتند و بر وضعیت کشـور نقش و کیفی اشـتغال، سـطح حمایت اجتماعی و فراهمسـازی خدمات اجتماعی اثر می‌کذارند. در ایران سیاسـت‌های کلان اقتصادی نادرسـت به ایجاد و کسـترش بحرانی پدیده‌هایی مانند نابرابری، تبعیض جنسـیتی، بی‌کاری و اشـتغال ناقص و کیفی و محیط زیسـت منجر شـده‌اند که در کاهش سـرعت و توقف رشد توسـعه انسانی نقش اسـاسی دارنـد. در میان این عوامل در ایران به نظر بنده نابرابری یکی از موانع اصلی توسـعه انسانی اسـت. نابرابری عمیق و مزمن طبقاتی را محدود و بافت اجتماعی را فرسوده می‌کند. وجود نابرابری‌های کسـترده در درآمد، ثروت، آموزش، سـلامت و دیکر ابعاد توسـعه انسـانی در سراسـر دنیا منجر به تشدید آسـیب‌پذیری کروه‌های منزوی شده و موجب تضعیف توانایی آنها برای بازسـازی آثار شوک‌های ساخته انسـان یا طبیعت می‌شـود. فرودسـان کشـورهای توسـعه‌نیافته‌ای مانند بنکلادش، توزیع درآمد نابرابرتر می‌شـود. همچنین، در کشـورهای منزوی شده و موجب تضعیف توانایی آنها برای بازسـازی آثار شوک‌های ساخته انسان یا طبیعت می‌شود. فرودسان کشـورهای توسـعه‌نیافته‌ای مانند بنکلادش، توزیع درآمد نابرابرتر می‌شود. سـازندکی و دولت امید آقای روحانی، در این دوره، تصور غالب اقتصاددانان و برنامه‌ریزان آن بود که با افزایش سـاخت زندکی مردم در تمام ابعاد بهبود خواهد یافت. صاحبان این دیدکاه تصور می‌کردند، افزایش درآمد حاصل از توسـعه، بدون توجه به عدالت و دسـترسی برابـر به فرصت‌ها، می‌تردید منجر به افزایش رفاه می‌شود. شاید آخرین محور به ثابوت این دیدکاه تحول از توسـعه، بدون توجه به عدالت و دسـترسی برابـر به فرصت‌ها، می‌تردید منجر به افزایش رفاه می‌شود. شاید آخرین محور به ثابوت این دیدکاه تحول از توسـعه، بدون توجه به عدالت و دسـترسی برابـر به فرصت‌ها، می‌تردید منجر به افزایش رفاه می‌شود. ثابت ماندن سـاخت و تداوم این دیدکاه، موجب بدیدآمدن دیدکاه‌های جدیدی پس از دهه ۱۹۷۰ شـد. از آن جمله می‌توان به رویکردهای رفاه اجتماعی، توسـعه انسـانی، نیازهای اسـاسی و توسـعه منابع انسـانی اشـاره کرد که دیکر نقش مهمی در فرایند تحول مفهوم توسـعه انسانی داشـتند. اما تفاوت‌ها و تمایزات مشخصی نیز بین آنها وجود دارد. با طرح انتقادات نسـبت به مفهوم و رویکردهای توسـعه رشـدمدار، آمارتیا سـن به طرح نظریه «قابلیت و توسـعه انسـانی» پرداخت. در اوایـل دهـه ۱۹۸۰، اقتصاددان بین‌المللی ایران‌الاصل، پرویز حبیب‌الحق، اقتصاددان پاکستانی، اقدام به تدوین شاخص توسـعه انسـانی در «برنامه توسعه سازمان ملل» کردند. سن معتقد است هدف اصلی توسعه، توسعه فرصت‌های انسان‌هاسـت. این فرصت‌ها کسـترده‌اند و در طول زمان تغییر می‌کنند و شامل منافع بازارش هسـتند که بلافاصله با دریک دوره زمانی، در درآمد، شـاخص‌های زندکی، دسـترسـی بـه تحصیلات بالاتـر و خدمات بهداشتی و تغذیه بهتر، امید به زندکی طولانی‌تر، امنیت در مقابل تهدیدها و سـختی و آشوب‌های اجتماعی و امثال آن نمود پیدا می‌کنند. بنابراین هدف از توسعه، ایجاد محیطی اسـت که مردم بتوانند در آن از زندکی طولانی، سـالم و خلاق برخوردار باشند.

به‌هرحال، ایده محوری و اصلی توسعه انسانی که عبارت بود از رهاکردن دیدکاه رشـدمدار با تأکید بر تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص ملی و جایکزینی دیدکاه انسان‌مدار، زمینه کسـترش و تعمیق مفهوم توسعه انسانی را فراهم کرد و در تمامی تعاریف ارائه‌شده از توسعه، این جزئیات رویکردی را در مقایسه با دیدکاه‌های پیشین می‌یابیم.

توسـعه انسانی بر کیفیت زندکی مردم تاکید دارد. یعنـی اینکه انسان چه کاری را دارند و در عمل چه انجـام می‌دهند. با چه تبعیض‌هایی موافجنـد و چه تلاش‌هایی برای برخوداری از انتخاب‌های بیشـتر انجام می‌دهند. توسعه انسانی مبتنی بر این ایده اسـت که پیشرفت مجموع انسـانی را نمـی‌توان فقط بـا درآمد سـرانه اندازه‌کیری کرد. بلکه عـلاوه بر درآمد باید‌ان پروش و بسـط اسـتعدادها و ظرفیت‌ها و مسـتحق دسـترسی نیز لازمه دسـتیابی به زندکی بهتر اسـت؛ براسـاس این تعریف، توسعه عبارت است از افزایش بسط انتخاب‌ها و ظرفیت‌های انسانی. از دیدکاه سن، برای رسـیدن به توسعه نیازمند آزادی در بیرق حوزه مهم هستیم: ناملی سیاسـت، امکانات و تسـهیلات اقتصادی، فرصت‌های اجتماعی، تضمین شـفافیت و نظام‌های حمایتی برای توسـعه قابلیت‌های فـردی. همین‌طور که می‌بینید این سـیاست‌ها با آنچه از سـوی تیم سـازمان برنامه‌ریزی اقتصـادی ـ اجتماعی دولت آقـای روحانی مطرح می‌شـود، سـخیت بسـیار کمی دارند. آنها درپه به‌دنبال نشان‌دادن عدد و ناظر برای رشـد هسـتند و از شاخص‌های مرتبط با اشـتغال، فقر و نابرابری غفلت می‌کنند. رویکرد بیشتر توضیح می‌دهم.

وضعیت ایران در شـاخص‌های توسـعه انسـانی چگونه اسـت؟ آیا برآورد علمی و یافته پژوهشـی درباره وضعیت ایران در این شاخص‌ها وجود دارد؟ چرا این اطلاعات کمتر در دسترس اسـت؟

در کزارش توسـعه انسانی میزان شـاخص توسعه انسـانی ایران برای سـال ۲۰۱۳ معادل ۰/۷۴۹، و برای سـال ۲۰۱۴ معادل ۰/۷۶۷، برآورد شـده اسـت. بنابراین کشور ما در کروه کشـورهای با توسعه انسانی بالا قرار کرفته اسـت. کروه کشورهای با توسـعه انسـانی بالا در حـداقل شـبیه ۵۰ تا ۱۰۲ جهان قرار دارنـد. بالاترین رتبه در میان این کروه بـه ارکوکوه با شـاخص توسعه انسانی ۰/۹ و پایین‌ترین آن به جمهوری دومینیک با میزان شـاخص ۰/۷ اختصاص دارد. ایران با شـاخص ۰/۷۶۶، در میان این دو کشور اسـت. میانکین رشد شاخص توسعه انسانی ایران در فاصله سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰ معادل ۱/۱۹ در فاصله سـال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ برابر ۱/۶۹ و در فاصله سـال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۰ معادل ۱/۰۷ بوده اسـت؛ و این ترتیب مشابه روند جهانی که به‌طورکلی نشان‌دهنده رشد شـاخص توسعه انسانی در سراسر جهان اسـت. در ایران نیز همین روند تعدیل دیده می‌شود. البته باید توجه داشت که با هر مطابق روند جهانی میانکین رشد شاخص توسعه انسانی بین از سال ۲۰۰۰ کمتر از ادوار پیش از آن شده اسـت. براین‌اساس چند ویژکی را در روند طی‌شده در میزان شاخص توسعه انسانی ایران در سال‌های ۱۹۹۰-(۱۳۶۹) تا ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) می‌توان برشمرد:

ویژکی کلی اینکه در دوره زمانی بادشـده، میزان شاخص توسعه انسانی ایران تقریبا مثل همه کشـورها افزایش یافته اسـت.ویژکی دیکر اینکه روند بهبود و میزان شاخص توسعه انسانی ایران نوسان‌های زیاد و سرعت پیش‌رو به کاهش است.

همچنین در میان کشـورهای منطقه، سـرعت بهبود شـاخص توسـعه انسانی ایران آهسـته‌تر از دیکر کشورها بوده. ضمن اینکه رتبه ایران در منطقه نیز بسیار پایین‌تر از دیکر کشورها کزارش شده است.

ویژکـی دیکر این اسـت که با توجه به اینکه ایران در کروه کشـورهای نفت‌خیز قرار دارد و درآمد حاصـل از نفت یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت اسـت، شـاخص توسعه انسانی به‌شدت تحت تأثیر نوسان‌های قیمت نفت و در نتیجه سـیاسـته درآمدی کشـور قرار دارد؛ بنابراین با افزایش قیمت نفت و در نتیجه کاهش درآمدهای نفتی، شـاخص توسـعه انسـانی کاهش یافته و با افزایش درآمدهای نفتی شاخص بالا رفته است.

خصوصیت دیکر شاخص توسعه انسـانی ایران این اسـت که با توجه به وجود بالای ایران در مقایسـه با دیکر کشورهای نفتی، آثار افزایش درآمد حاصل از نفت بر بهبود شـاخص توسعه انسانی کمتر از دیکر کشورهاسـت. زیرا بر سرانه درآمد اثر کمتری دارد.

همچنین با توجه به بهبود نسـبی شـاخص‌های سـلامت و آموزش، از این بحث دقیقا روند افزایش شـاخص توسـعه انسـانی و ممانعت از توقف یا کاهش شـتاب پیشـین مستلزم اصلاحات سـاختاری در حوزه‌های سلامت و آموزش است.

ویژکی دیکر این اسـت که با توجه به مواجهه کشـور با مشکلات جدی اقتصـادی ـ اجتماعـی و بالابودن احتمـال وقوع بلایـای طبیعی ازجمله خشـک‌سـالی، میزان آسـیب‌پذیری ایران بسـیار بالاسـت. علاوه بر اینها با وجود روند مثبت اما کم‌شـتاب شـاخص توسـعه انسـانی و اجرای آن در کشور، متاسفانه همین سطح از بهبود به نحو متعادلی بین مناطق و استان‌ها و تنوع بخشی نشده و در واقع میزان محرومیت در سـکونتکاه‌های مختلف کشور متفاوت است؛ بنابراین ما نباید به این بیالیم که شـاخص توسعه انسانی کشورمان رشد داشـته. چون کمتر کشوری اسـت که این رشد را نشان ندهد؛ برای مثال آلمـن سـیرلیک، رئیس‌جمهور لیبریا، به درواقع وبژه‌ای که برای انتشار در کزارش توسـعه انسـانی ۲۰۱۴ نوشته، اشاره می‌کند به اینکه: «دو سال مانده تا صرف‌الاجل سال ۲۰۱۵، اما پیشرفت آفریقا در زمینه تحقق اهداف توسعه هزاره هنوز ناتمام اسـت. پیشـرفت‌های برجسـته‌ای در برخی موارد ایجاد شده است. مثل ثبت‌نام خالص مدارس ابتدایی، تساوی جنسـیتی در آموزش ابتدایی، حضور زنان در موقعیت‌های تصمیم‌سازی، برخی کاهش‌ها در فقر، کسـترش پوشش ایمن‌سازی و واکسیناسیون، و توقف انتشار اچ‌آی‌وی/ ایدز. با وجود این پیشـرفت‌ها، فضای خالی برای اخبار خوب بیشتر همچنان زیاد اسـت. نکته مهم و اساسـی فرصت‌های ازدسـت‌رفته در برابر دسـتاوردهای کنونی است. وضعیت سراسر کشـورهای جهان در مقایسه با ۲۰ سال پیش از آنکه در کزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴ نوشته، اشاره می‌کند به اینکه: «دو سال مانده تا صرف‌الاجل سال ۲۰۱۵، اما پیشرفت آفریقا در زمینه تحقق اهداف توسعه هزاره هنوز ناتمام اسـت. پیشـرفت‌های برج